

لامارتین

- ۳ -

تحصیلات لامارتین چندان عالی نبود و در حقیقت نمیشود او را فاضل گفت زیرا از طفولیت غریزه شاعری او را از پیروی تمام علوم باز داشته و غالب اوقاتشرا بمطالعه اشعار و آثار ادبی مصروف میداشت. بر طبق اظهار خودش قرائت مروپ (۱) اندیشه شاعر را در روحش ایجاد نمود مطالعه «اورشلیم آزاد» (۲) در آن واحد طرز ادبیات قدیم و جدید را در نظرش پسندیده جلوه گر ساخت. آتالی (۳) که میگوید دوازده شعر آن بر تمام افسانه‌های لافوتن ترجیح دارد تمام رشته‌های قلب و روح او را در دست گرفته و قریحه ادیشرا قوت بخشید.

هنوز از هفدهمین مرحله زندگانی نگذشته بود که بنوشته‌های

(۱) مروپ تراژدی منظوم ولتر که بعضی از منتقدین آنرا شاهکار ارمیداند و بعضی از اشعارش جزو امثال سازه شده است مانند این شعر (هنگامی که همه چیز از دست رفته و آمیدی باقی نماند زندگی سرافندگیست و مرگ تکلیف).
(۲) اورشلیم آزاد منظومه ایست از آثار توماس شاعر معروف ایتالیائی که آنرا از خطوط برجسته لوحه ادبیات عالم میداند.

(۳) آتالی تراژدی معروف راسین که ولتر آنرا شاهکار آتشاعر شمرده است. این تراژدی بر حسب تقاضای مادام دو متون زو اسکارون شاعر مشهور که بعد ها مخفیانه بعقد لوی ۱۴ درآمد برای «وشیزگان سن سیر ساخته و اولین دفعه در حضور دوشس دو بویون نمایش داده شد.

آهنگهای آن بدو توسط ژ. ب. مورو و سپس توسط ژکومن و بالاخره مندلسون موسیقی دان شهر آلمانی ساخته شد

عاشقانه عاشق گشت ، ویرژیل ، لوتاس ، میلتن ، روسو و بخصوص اوسیان دوستان شبانروزی او گشته کتاب پل و ویرژینی مونس دائمی او شد و در تنهائی بالسان شیوای خود آلام درونیشرا تسکین داد . زبان قلبی آنها بانغمات فرح بخش عواطف و صور را برای قلب شاعر ایجاد میکرد ، قلم جاذب شاتوبریان از زمانی که لامارتین قادر بدرك معانی کتب گردید متدرجاً در ادبیات جدید را با دست توانای خویش بر روی او گشود و آسمان روئین شاعر را برچشمان متجسس او آشکار ساخت . یکی از وسایل مؤثر تقویت روح شاعرانه لامارتین عبارت از خانواده یعنی پدر و مادر و شش نفر خواهری بود که او را چون گلی تازه شکفته در آغوش انوار مهر و محبت خویش جای داده بودند مادر و خواهرانش که گوئی برای عشق و محبت آفریده شده‌اند او را از خوابگاه کودکی در ظل رافت خود جای داده مالکات فاضله ، محسنات اخلاقی ، خلوص نیت و عشق و دوستی را بانمو اعضا و اندام او توأم در وجودش نشو و نما میدادند .

۵۰۸

لامارتین هم بمرضی مبتلا بود که آنرا نویسندگان مرض عصر مینامند و آن عبارت بود از اندوه و بیقراری و آرزوی انزوا و کناره گیری از جماعات که نتیجه قرائت ورتن (۱) و آتالاورنه (۲) و بدینی خارج از وصفی که مولود افکار و اشعار بایرون شاعر مشهور انگلیسی که بتدریج در وجود لامارتین مزمن گشته و او را در تمام عمر از زندگی و زندگان منزجر و منزعج نگاه داشت .

تا ۲ سالگی هنوز لامارتین خود را شاعر و نویسنده نمیشمرد

(۱) ورتن اثر قلم گوته آلمانی ترجمه فاضل محترم آقای فلسفی

(۲) آتالاورنه کتابهای مشهور شاتوبریان که نویسنده این سطور ترجمه

کرده و در پا ورتنی جریده شفق سرخ منتشر شد

و در پی تحصیل و کمال خویش بود چنانکه گوید « من هنوز نویسنده نبودم و آن بودم که معاصرین « متقن » خوانند و متقدمین « متجسس ادبیات یا طلبه » مینامیدند . من تصور میکنم که هوراس و سیسرون و سپیون و بلکه قیصر هم در عهد خود مانند من بوده‌اند شاعری پیشه من محسوب نمیشد و آنرا واقعهٔ سعادت بخشی انگاشته و موجب خوشبختی خود مینداشتم ولی در شاهراه زندگانی بامنتظر دیگری قدم میزدم و انجام نقشه‌های دیگر را در خاطر داشتم »

لامارتین در شعر دو کتاب دارد که بالنسبه در آنها بارعایت جنبهٔ ادب پیش رفته است : یکی اندیشه‌های نخستین دیگری اندیشه‌های جدید و معهدا در آنها نیز انتقاد کنندگان نواقصی یافته و ایراداتی وارد ساخته‌اند . گذشته از اغلاط صرف و نحوی (عرض نحوهٔ سخن است) که احياناً در اشعار لامارتین دیده میشود گاهی نیز برای اصلاح وزن و قافیه عمداً خطا را مرتکب میشده و باک نداشته است که مثلاً بدر سقراط بجای (سوفرونیک) (سوفرونیک) قافیه کند . ولی اینها در قبال بلندی فکر و رقت مضمون و عمق معنی و اهمیت موضوعی که در اشعار لامارتین موج میزند قابل توجه نیست بلکه او را از آنجهت بزرگترین شاعر عهد خود می‌شمرند که توانسته است مطالب فلسفی و افکار عالیه را در لباس شعر بهترین طرزى جلوه داده و باره ای کنایات زیبا و استعارات لطیف را در منظومه‌های خویش بگنجاند . مثلاً در قطعه « مرك سقراط » برای اشاره بقای روح گوید « شوکرانرا در جامی بدو نوشانیدند که تاریخ‌پیشه (۱) بران منقور بود » در صورتیکه ماخذی برای اینجمله در دست نیست .

(۳) تاریخ پیشه از افسانه‌های ارباب انواع تالیف آپوله نویسنده این سطور بفارسی ترجمه کرده و در ضمن افسانه‌های یومیه سال گذشته، مؤسسه خاور انتشار یافته است

مهمترین کتاب منظوم لامارتین (ژوسلن) است که بنا بر مراسله خویش بعنوان ویرو میخواست آنرا در ظرف چندماه پایان رساند ولی چندماه به پنجسال انجامید. انتقاد کنندگان ایرادات بیشمار از قبیل تطویل کلام تکرار مطالب، بی مبالائی در انتخاب کلمات پسندیده و بالاخره غلطیهای متعدد بر آن کتاب وارد ساخته اند ولی با این تفصیل گروهی بیشمار طرفدار جدی منظومه ژوسلن بوده و آنرا یکی از شاهکارهای ادبی زبان فرانسه میدانند.

در اثر نیز لامارتین را آثار متعدده است کتاب سفر مشرق مقام او را از لحاظ صنعت نویسنده گی بشاتوبریان نزدیک ساخت. تاریخ ژیروندنها بادقت بسیار نوشته شده و یکی از کتابخانها حق طبع هشت مجلد آنرا برای مدت دوازده سال بقیمت دوست و پنجاه هزار فرانک بخود تخصیص داد.

۵۱۰

گرازیللا داستان عشق مجازی و رانائل سرگذشت عشق حقیقی لامارتین است که هر دو از آثار قلمی دوران جوانی اوست ولی گرازیللا بمراتب از رانائل جاذبتر و شیرینتر نوشته شده است مراسلات لامارتین نیز قابل توجه است. خطابه هایش از لطائف ادبی مشحون و از نزدیکی بهمیل محرومست. شیوه اثر نویسی لامارتین متباین و متنوعست در مراسلاتش کاملاً طبیعی است. در تاریخ ژیروندنها و کتاب «رازها» گاهی پشت پا بقبول خلق زده و طرز خاصی در تحریر اختیار نموده است که امروز از هر جهت در خور تحسین است و گاهی برای جلب توجه طبقات متوسط و خوشامد عوام یا کوشش لطف دسته مخصوصی از خوانندگان شیوهای گوناگون و نزدیک بدوق بیسوادان عصر خود اتخاذ میکنند زمانی توجهش مصروف بمطلوب واقع شدنست و گاهی همش مقصور انسجام واستحکام سخن، از اینجهت مقام شاعری لامارتین را از جنبه

نثر نویسی او برتر و بالاتر میداند و بیشتر کسانی که شرح احوال او را نوشته و در آثار قلمپش غور و تعمق روا داشته اند همواره برسخنان منظومش نظر افکننده و آنها را مورد مطالعه قرار داده‌اند لامارتین شاعری آسمانی بوده و بقای روح و وجود خداوند ایمان داشته و هرچه گفته است در این دو عقیده با زبان قلب ادا نموده است ، آثار قلمی شاتوبریان در روحش نفوذ عظیمی داشته در خدا پرستی شاگرد او بوده مانند او از درد گریسته ولی نومییدی را بخود راه نداده است از اینرو یکشب قطعه «نومییدی» را ساخته و یکروز «خلود» را برشته نظم در میآورد . زیرا بقول خودش او عاشق بوده و بایستی امیدوار باشد .

لامارتین هرچه میگفت با نیت پاک و اخلاص و عقیدت بوده اشعارشرا آئینه حیاتش ساخته. صورت مصائب زندگانی را در آن انعکاس داد و پیوسته باقیانه آرام و قلب امیدوار بآئینه خویش نگران بوده است . در وصف کتب و آثار قلمی خود گوید « کتابهای مرا نمیشود کتاب نامید ، آنها اوراق پریشانی هستند که آشفته و بی ترتیب در جاده زندگانیم افکننده شده اند » . و در توصیف اشعارش گوید « شعر برای من حالت عبادت را دارد یعنی بهترین و لطیفترین ادراکات بشریت که از کلیه اعمال و افعال کوتاهتر است و زمان قلیلی از ساعات کار یومیه ما را میگیرد . »

ویکتور هوگو عالمرا از جنبه صوری طرف مطالعه قرار داده و پیوسته بتوصیف ظواهر اشیاء میپردازد ولی لامارتین برعکس جانب معنوی را قابل توجه شمرده است و بهمین جهت او را در پاره ای از تصاویر بر زبر ابرها غرقه در تخیلات سماوی نشان داده اند زیرا امید و عشق پیشرو هادی افکار او بوده است و این حواس از جرگه حساسات ظاهری خارجست